Top of Form

**ویژه نامه عفاف و حجاب**

یکی از قیام‏های ‏خونین مردم ایران به رهبری مراجع تقلید، که نقطه عطفی درتاریخ قیام‏های اسلامی دارد، قیام مسجد گوهرشاد است. نقش علما به ویژه شیخ محمد تقی بهلول در این قیام بسیار برجسته بوده است. او در مسجد گوهرشاد طی سخنرانیهای پرشور و التهابی به کشف حجاب حمله کرد و این حرکت را تهاجمی علیه دیانت و ارزشهای معنوی دانست.

**مفهوم شناسی حجاب و عفاف**

عفت (عفاف)، حالتی نفسانی (درونی) است که از چیرگی شهوت بر افراد جلوگیری می کند. راغب اصفهانی می نویسد: «العفّة حصول حالة للنفس تمنعها عن غلبة الشهوة.»

این واژه در قرآن کریم به معنای عفت و خودنگهداری آمده است: «وَ أَن یَسْتَعْفِفْنَ خَیرٌ لَّهُنَّ» و یا «الذین لا یجدون نکاحا ...»،

خودنگهداری هم در مورد نُمودهای شهوانی است مانند آنچه در آیات مذکور آمده، هم در مورد مال حرام یا شبهه ناک مانند: «وَ مَن کانَ غنیّا فَلْیَسْتَعْفِفْ؛ آن کس که توانگر است از خوردن مال یتیمی که تحت سرپرستی اوست خودداری ورزد.»

حجاب، در لغت به معنای «المنع من الوصول، ممانعت از رسیدن به چیزی» است.

گفته شده که حُجْب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن و منع از داخل شدن است. آیه شریفه «وَ مِن بَیْننِا وَ بَیْنِکَ حِجابٌ» شاهد بر این مدعا است. اگر چه در ادبیات عرب و زبان دین (آیات و روایات) برای بحث پوشش زنان از واژه «ستر» استفاده شده و کمتر به حجاب اشاره شده اما در کتب لغت به واژگان «امرأة محجوبة» به معنای زنی که خود را با نوعی پوشش پوشانده است، برمی خوریم. در مجموع می توان گفت حجاب ثمره عفاف درونی است که تظاهر و نُمود بیرونی یافته است و به نوع پوشش در ظهور اجتماعی افراد و در رویارویی با نامحرم گفته می شود.

**حجاب تنها پوشش نیست؛ رفتار هم هست!

چیستی، چرایی و پاسخ شبهات پیرامون حجاب**

**حجاب و عفاف در ادیان الهی**

پژوهش ها نشان می دهد که زنان ایران از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بودند، حجابی کامل شامل: پیراهن بلندِ چین دار، شلوار، چادر و شنلی بلند بر روی لباس ها داشته اند. این حجاب در دوران سلسله های مختلف پارس ها نیز معمول بوده است. بنابراین در زمان بعثت زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده اند.

رواج حجاب در بین زنان قوم یهود، مطلبی نیست که کسی بتواند آن را انکار کند. تاریخ پژوهان، نه تنها از مرسوم بودن حجاب در بین زنان یهود سخن گفته اند، بلکه به افراطها و سخت گیری های بی شمار آن نیز تصریح کرده اند: «گرچه پوشش در بین عرب، مرسوم نبود و اسلام آن را به وجود آورد، ولی در ملل غیر عرب، به شدیدترین شکل، رواج داشت. در بین یهود و مللی که از فکر یهود پیروی می کردند، حجاب به مراتب شدیدتر از آن چه اسلام می خواست، وجود داشت. در بین این ملت ها وجه و کفین (صورت و کف دست ها) هم پوشیده می شد. حتی در بعضی از ملت ها سخن از پوشیدن زن و چهره زن نبود، بلکه سخن از قایم کردن زن بود و این فکر را به صورت یک عادت سفت و سخت درآورده بودند.»

در مسیحیت، همانند دین زرتشت و یهود، حجاب زنان امری واجب به شمار می آمده است. مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب زنان را تغییر نداده و قوانین شدید آن را استمرار بخشیده است، بلکه در برخی موارد، قدم را فراتر نهاده و با تأکید بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخته است؛زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج، امری مقدّس محسوب می شد و حتی در کتاب «تاریخ تمدن» آمده است که: ازدواج در سن بیست سالگی اجباری بود؛ اما از دیدگاه مسیحیت که تجرّد، مقدس شمرده شده است، جای هیچ شبهه ای باقی نخواهد ماند که برای از بین رفتن تحریک و تهییج، این مکتب، زنان را به رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش و تزیین، به صورت شدیدتری فراخوانده است.

**حجاب و عفاف در اسلام**

واجب بودن حجاب برای زنان از ضروریات دین مبین اسلام است. واجب بودن حجاب از نظر قرآن، گفتار پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) نیز به حکم عقل و اجماع رأی فقها و علمای اسلام امری ثابت است. در قرآن، حدود چهار آیه به واجب بودن حجاب دلالت دارد. اما در مورد حفظ عفت و پاسداری از حریم آن، بیش از ده آیه در قرآن وجود دارد.

چهار آیه ای که بر وجوب حجاب برای زنان دلالت دارد عبارتند از آیه: 30 سوره نور، 59، 33 و 23 سوره احزاب،

«وَ قُلْ لِلْمُؤمِناتِ یَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصارِهِنَّ و یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لا یُبْدینَ زِیْنَتَهُنَّ إِلا ما ظَهَرَ مِنْها وَ لْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلی جُیُوبِهِنَّ وَ لاَ یُبْدینَ زِینَتَهُنَّ إِلاّ لِبُعُولَتِهِنَّ ...؛ ای پیامبر! به زنان باایمان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را ـ جز آن مقدار که نمایان است ـ آشکار نسازند، و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشیده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهران شان و سایر افراد محرم شان ...». در این آیه به پنج موضوع اشاره شده است:

1ـ زنان باید دیدگان خود را از نگاه به نامحرم فرو خوابانند.

2ـ زنان باید دامن خود را از هر نوع عامل بی عفتی حفظ نمایند.

3ـ زنان باید زینت خود را جز آن مقدار که به طور قهری طبیعی است، پنهان سازند.

4ـ زنان باید روسری های خود را بر گردن و سینه بیفکنند.

**حجاب مصونیت است نه محدودیّت**

همگونی «جلباب» قرآنی و چادر مشکی
فلسفه و آثار حجاب و عفاف

یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بُعد فردی، ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی است؛ در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرت‎های بی‎بندوبار میان زن و مرد، هیجان‎ها و التهاب‎های جنسی را فزونی می‎بخشد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی‎آورد. غریزه ی جنسی، غریزه‎ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هرچه بیش تر اطاعت شود بیش تر سرکش می‎گردد؛ هم چون آتشی که هرچه هیزم آن زیادتر شود شعله‎ورتر می‎گردد. بهترین شاهد بر این مطلب این است که در جهان غرب که با رواج بی‎حیایی و برهنگی، اطاعت از غریزه ی جنسی بیش تر شده است، هجوم مردم به مسئله ی سکس نیز زیادتر شده و تیراژ مجلات و کتب سکسی بالاتر رفته است.

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد اجتماعی، حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل، بی‎حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت‎های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع، و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‎گردد. بدون تردید، مردی که در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و … همواره با قیافه‎های محرّک و مهیج زنان بدحجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کار او کاهش می‎یابد. برخلاف نظام‎ها و کشورهای غربی، که میدان کار و فعالیت‎های اجتماعی را با لذت‎جویی‎های جنسی درهم می‎آمیزند، اسلام می‎خواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این‎گونه لذت‎ها پاک شده، و لذت‎های جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود

**تاریخچه حجاب در ایران**

با استناد به مدارک به دست آمده از دوره هخامنشیان، مانند تندیس ها، سکه ها، نقوش فرش، پارچه و نقش برجسته هایی که تعدادی از آن ها به خارج از ایران منتقل شده اند، و یا نوشته های برخی از تاریخ نگاران، می توان چنین برداشت کرد که پوشاک زنان ایرانی عبارت از لباس های بلند تا قوزک پا و گاهی فراخ، پیراهن های ساده تا پایین ساق پا به صورت ساده یا ریشه دار، و با آستین های بلند یا کوتاه بوده است.

لباس های زنان ایرانی در دوره اشکانی عبارت از پیراهنی بلند تا به روی زمین، گشاد، پُرچین، آستین دار یا بدون آستین و یقه راست بوده است. همچنین پیراهنی دیگر داشته اند که روی اولی می پوشیدند و قد آن نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است. روی این دو پیراهن، چادری سر می کرده اند.

با مقایسه چندین نقش سنگی آناهیتا و نقوش دیگر با هم، به نظر می رسد که بانوان ساسانی، پیراهن بلند بسیار پرچین و گشاد می پوشیده اند و آن را با نواری در زیر سینه ها، مانند بانوان اشکانی، جمع کرده، می بستند. زنان عهد ساسانی گاهی چادرِ گشاد پرچین به سر می کردند که تا به وسط ساق پا می رسیده است.

بحث پوشاک زنان ایرانی را در ارتباط با تمدن و فرهنگ اسلامی، باید از دوران سامانیان آغاز کرد. چون سامانیان خود را از نسل ساسانیان می دانستند، باید اذعان کرد که پوشش ایرانیان در این دوران(از اوایل دوره اسلامی تا عصر مغول) همان پوشش دوره ساسانی است و زنان بالطبع از پوشش های سنتی چادر و روبندهای ابریشمی برای حجاب و پوشش خود استفاده می کردند، آن هم در رنگ های مختلف زرد، آبی و سیاه.

**حجاب دیروز، حجاب امروز کشف حجاب رضاخانی**

مقدمات کشف حجاب به طور عملی از زمانی آغاز شد که خانواده ی رضاخان به حالت رفع پوشش در نوروز سال 1306 ش در حرم مطهر حضرت فاطمه ی معصومه(ع) حضور یافتند که با مخالفت جدّی آیت ; الله شیخ محمدتقی بافقی روبه رو گردیدند. برخی اقدامات دیگر نیز مؤید این واقعیت بود ولی بعد از سفر ترکیه، شاه با اشاره به پیش رفت سریع ترکیه بعد از رفع حجاب زن ها و آزادی ; آنان، اطرافیان را به این مسئله تشویق می نمود. در اوایل خرداد 1314. ش یک روز هیئت دولت را احضار کرد و گفت ما باید در صورت و سنت غربی شویم، باید برای رفع حجاب زنان اقدام نمود؛ و چون برای عموم مردم اجرای این طرح مشکلاتی به وجود می آورد شما وزرا و معاونین باید پیش قدم شوید و هفته ای یک شب با خانم های خود در «کلوپ ایران» اجتماع کنید. او به وزیر فرهنگ وقت (علی اصغر حکمت) دستور داد در مدارس زنانه، معلمان و دختران باید بدون حجاب باشند و اگر زن یا دختری از این برنامه امتناع کرد، او را در مدارس راه ندهند.

از اوایل سال 1314. ش برخی زنان بدون داشتن حجاب در معابر حرکت می کردند. رعایت حجاب توسط زنان کاملاً ممنوع گردید، کسبه از فروش اجناس به زنان با حجاب منع شدند و زنانی که می خواستند این اصل شرعی و قرآنی را رعایت کنند اجازه نداشتند سوار وسایل نقلیه ی عمومی گردند

**قیام مسجد گوهرشاد**

رضاشاه به خوبی می دانست که برای عملی ساختن نقشه شومش، ابتدا باید شهرهای مذهبی را دگرگون سازد. پس فرمان رضاخان از تهران به مشهد رسید: «از این پس، درشکه­چی ها و پسوران مشهد باید کلاه شاپو (کلاه تمام فرنگی) بر سر بگذارند.

اجرای این برنامه از ابتدای خرداد 1314 به همراه شایعه های مربوط به کشف حجاب، در مشهد آشوبی به پا کرد و نخستین فریاد اعتراض را آیت الله حاج آقا حسین قمی سر داد. ایشان پس از مشورت با تعدادی از شخصیت ها و روحانیان، تصمیم گرفت برای جلوگیری از کشف حجاب و استفاده از کلاه شاپو در 9 تیر 1314 به تهران سفر کند، ولی رضاشاه با بی شرمی تمام محل اقامت ایشان را در شهر ری محاصره کرد. خبر به شیخ محمدتقی بهلول رسید. بهلول به سرعت خود را به مشهد رساند. در حرم، مأموران شهربانی مانع او شدند و قصد دست گیری وی را داشتند که با دخالت خادمان و زائران حرم، وی دست گیر نشد، ولی در صحن کهنه زندانی شد. خبر در شهر پیچید و کم کم صحن ها از دوستداران بهلول پر شد. همهمه مبهمی فضای صحن را پر کرده بود، ولی کسی برای آزادی بهلول قدم پیش نمی گذاشت. ناگهان فریادی همهمه مردم را به سکوت تبدیل کرد . این صدای اعتراض نواب احتشام، یکی از خادمان حرم بود. او کلاه شاپو را از سر برداشت و فریاد زد: ای مردم! چهار هزار نفر هستید و از چهار پلیس می ترسید؟! حمله کنید و شیخ را آزاد کنید! نابود باد کسی که این کلاه بی غیرتی را به سر ما گذاشت. لعنت بر این کلاه!

مردم با فریاد یاحسین به حجره بهلول حمله ور شدند و وی را بر سر دست، هلهله کنان و تکبیرگویان در مسجد گوهرشاد بر منبر صاحب الزمان(عج) نشاندند.

بهلول از بالای منبر جمعیت را از نظر گذراند و با لحنی حماسی فریاد برآورد: مردم! خواسته من و شما آزادی آیت الله قمی از زندان تهران است! دولت باید به این خواسته ما تن در دهد!

استعمار و استبداد، و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب

قیام گوهرشاد حماسه ای در دفاع از حجاب/به مناسبت 21 تیر سالروز قیام گوهرشاد (سال 1314)
حافظان غیرت دینی در عصر اختناق رضاخانی

حاج آقا حسین در اوج وحشت و اختناق رضاخانی، علم مبارزه را بر دوش گرفت و درزمانی که نفسها در سینه ها حبس شده بود، علیه برنامه «کشف حجاب» و دیگر کارهای خلاف حکومت شورید و شوری حسینی در میان مسلمانان ایران به پا نمود.

او وقتی در برابر تهاجم فرهنگی غرب که به دست رضاخان قلدر در کشور عملی می شد،احساس تکلیف کرد.

بی درنگ حرکتی تاریخی و کم نظیر را آغاز کرد و به آنان که در این راه ایجادشبهه و تردید داشتند، فرمود: «من قصد اقدام دارم. چنانچه برای جلوگیری از کشف حجاب، ده هزار نفر که یکی از آنها من باشم کشته شود، جایز است.» علما و مجتهدین مشهد همچون حاج آقا حسین قمی، سید یونس اردبیلی و میرزا محمد آقازاده، جلسات متعددی برگزار کرده، موضوعاتی از قبیل توطئه حجاب زدایی و موضوع اجباری شدن کلاه بین المللی و برپایی جشن و مجالسی همچون جشن مدرسه شاپور شیراز و جشن میدان جلالیه را مورد بحث و بررسی قرار دادند. در یکی از نشست ها که در منزل حاج آقاحسین قمی برگزار گردید، ایشان به شدت متاثر شده، گریست و گفت: «امروز اسلام فدایی می خواهد بر مردم است که قیام کنند.»

در نهایت جلسه ای درمنزل آیت الله سید یونس اردبیلی برگزار شد و تصمیم گرفتند که حاج آقا حسین قمی دراعتراض به رضاخان به تهران رفته و با او صحبت کند.

ایشان در آخرین جلسه درس خود فرمود: «به عقیده من اگر پیشرفت این جلوگیری ازخلاف مذهب منوط به کشته شدن ده هزار نفر که راس آنها حاج آقا حسین قمی است باشد،ارزش دارد.»

**حجاب و عفاف در کلام علما و بزرگان**

من تلخی این کشف حجابی که اینها کردند و اسمشان را بعدا آزاد زنان و آزادمردان، پسر رضاخان گذاشت من تلخی اش باز در ذائقه ام هست . شما نمی دانید چه کردند با این زن های محترمه و چه کردند با همه قشرها. الزام می کردند هم تجار را، هم کسبه جزء را، هم روحانیت را، هر جا زورشان می رسید به این که مجلس بگیرید و زن هاتان را بیاورید در مجلس، بیاورید در مجلس عمومی، آن وقت اگر اینها تخلف می کردند، کتک دنبالش بود، حرف دنبالش بود، همه چیزها و حرف ها بود و اینها می خواستند زن را وسیله قرار بدهند از برای این که سرگرمی حاصل شود برای جوان ها و در کارهای اساسی اصلا وارد نشود . طریق های مختلفی اینها داشتند برای اینکه این جوان های ما را، این دانشگاهی های ما را، همه این قشرها را نگذارند به فکر خودشان بیفتند و به فکر مملکتشان بیفتند . از آن طرف همین مساله کشف حجاب با آن فضاحتی که اینها کردند و با آن رفتاری که با زن های محترمه کردند و با آن رفتاری که با روحانیون کردند در این مسائل که حتی به مرحوم آقای کاشانی آمدند تکلیف کردند که شما باید وارد بشوید در این مجلس.( امام خمینی(ره) 19/ 6/ 59)

**راهکارهای ترویج فرهنگ حجاب و عفاف**

خانواده ها خصوصاً مادران که ارتباط و مسئولیت بیشتری در تربیت دختران دارند:

اولاً: از حجاب کامل مثل چادر در مواجهه با نامحرم استفاده کنند، تا از این طریق فرزندان دختر نیز از همان کودکی با حجاب اسلامی آشنا شوند و از همان کودکی به آن عادت کنند. امروزه همه کارشناسان مسایل تربیتی به نقش فراوان و شگرف تمرین و عادت در تربیت فرزندان اذعان دارند.

ثانیاً: ابعاد مختلف مربوط به حجاب را برای فرزندان خویش تبیین کرده آنان را در جهت رعایت پوشش کامل اسلامی تشویق و ترغیب کنند.

ثالثاً: ترتیبی اتّخاذ کنند تا دخترانشان با کسانی دوست شده و ارتباط برقرار کنند که مقید به حفظ ظواهر شرعی در عین آراستگی ظاهری هستند.

مراکز آموزشی مانند آموزش و پرورش، در دوره های مختلف تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه) در قالب کتاب های درسی، به طور سلسله وار مباحث مختلف حجاب را به شکل ترتیب دوره های تحصیلی برای دانش آموزان دختر مطرح کنند تا از همان سنین خردسالی دختران جامعه نسبت به فلسفه حجاب، آثار مثبت حجاب و آثار منفی بدحجابی، آگاه شده و اعتقاد عمیق و راسخ پیدا کنند.

در مراکز آموزش عالی و دانشگاه ها که مقدار آگاهی افراد نسبت به این مسایل بیشتر است، در مورد شبهاتی که دختران و پسران دانشجو و اساتید، پیرامون اهمیت و ضرورت حجاب، آثار آن، کیفیت حجاب کامل و برتر اسلامی دارند، می توان جلسات پرسش و پاسخ و سخنرانی برگزار کرد.    و طرح انطباق درمراکزدرمانی اجراشود .

مراکز فرهنگی و رسانه های جمعی مثل مطبوعات، با نگارش آثار و مقالات علمی و استدلالی به تبیین مسائل مهم و اساسی حجاب بپردازند و از درج مقالات و آثاری که به نوعی در تضعیف حجاب کامل اسلامی بانوان خدشه کرده و اثر منفی دارد اجتناب کنند.

صدا و سیما به عنوان گسترده ترین وسیله ارتباط جمعی نقش مهمی در تبیین مسائل مختلف مربوط به حجاب دارد. ضمن آنکه رعایت پوشش اسلامی خانم ها در فیلم ها نقش خاصی در ارائه الگوی صحیح حجاب به مخاطبین و خصوصاً نسل جوان دارد.

**نهادهای دولتی و حجاب و عفاف**

انقلاب اسلامی ایران، انقلاب ارزش هاست و برای صیانت از ارزش ها نیز باید از همه ابزارها استفاده کرد. در این میان ابزارهای فرهنگی نقش مهم و تأثیرگذاری دارند. غرب برای مبارزه با انقلاب اسلامی به شیوه های مختلفی روی آورده که نفوذ فرهنگی یکی از این شیوه ها بود. غرب همواره کوشیده است با استفاده از ابزارهای فرهنگی همچون سینما، تلویزیون، مطبوعات و ... با ارزش های اسلامی به مبارزه بپردازد. بد حجابی و فساد از مظاهر فرهنگی ضد اخلاقی غرب در جامعه اسلامی است که با توجه به خطرات آن در جامعه اسلامی پژوهش زیادی را می طلبد. بی هویتی زنان و نسخ ارزش ها از جمله پیامدهای شوم این مظهر فرهنگی ضد اخلاقی است. از این رو شایسته است که دولت اسلامی را ه کارهای مناسب را برای مقابله و مبارزه با این پیامدهای شوم دنبال کند.

**قوانین حجاب و عفاف**

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه 566 مورخ 4/ 5/ 84 در چارچوب اصول و مبانی روش های اجرایی گسترش فرهنگ عفاف (مصوبه جلسه 413 مورخ 14/ 11/ 76) راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف را به شرح ذیل تصویب نمود:

1ـ توسعه فرهنگ کنکاش و تفکر در مفاهیم دینی توسط جوانان به منظور پذیرش درونی و قلبی و عمل به آنها؛

2ـ تبیین دایمی جایگاه والا و پر اعتبار زن در اسلام و مقایسه آن با سایر مکاتب به منظور احساس برتری شخصیت زن مسلمان نسبت به زنان سایر مکاتب و پرهیز از روی آوردن به جاذبه ها و شخصیت های کاذب؛

3ـ تقویت بنیه اعتقادی، اخلاقی و اصول و مبانی تربیت برای والدین، خصوصا مادران نسبت به امر عفاف و حجاب و ایجاد حساسیت در آنها نسبت به آسیب های ناشی از عدم رعایت آن برای خود، خانواده و فرزندان؛

4ـ اتخاذ تدابیر مناسب جهت جذب، تربیت و به کارگیری نیروی انسانی شایسته نظیر مدیران، معلمان و اساتید معتقد و عامل به رعایت حجاب و عفاف در کلیه مراکز اداری و آموزشی؛

5ـ تبیین آموزه های دینی در خصوص ضرورت رعایت اصول حیا و عفت متناسب با قابلیت ها و ویژگی های زنان و مردان و ایجاد تعادل در روابط اجتماعی آنها؛

6ـ احیا و ترویج سنت حسنه امر به معروف و نهی از منکر؛

7ـ ارتقای سطح آگاهی جوانان در خصوص ارتباطات صحیح انسانی و اخلاقی بین آنها و حفظ حدود عفاف و حجاب در جامعه و خانواده؛...

مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در موضوع حجاب و عفاف

مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت دولت در زمینه فراهم آوردن شرایط مطلوب حجاب و پاک دامنی در جامعه

بررسی مفاد فقهی و حقوقی جرم بی حجابی
حجاب و عفاف در رسانه

امروزه در میان عواملی که جوامع انسانی را به تغییر ارزش ها و فرهنگ ها می کشاند، رسانه ها مهم ترین و تأثیرگذارترین عامل هستند. در این میان، رسانه های ارتباط جمعی، به وی‍‍‍‍ژه رسانه های تصویری مانند سینما و تلویزیون به سبب تأثیر بیشتر تصاویر روی مخاطبان از اهمیت خاصی برخوردار هستند. تلویزیون به دلیل حجم بالای تماشاگران و راه یابی آسان آن به دورترین و محروم ترین مناطق و تنوع برنامه ها، بیشتر مورد تأکید قرار می گیرد؛ زیرا اثرپذیری افکار عمومی از پیام های مستقیم و غیر مستقیم آن در مقایسه با سایر وسایل ارتباط جمعی، مانند رادیو و روزنامه ها بیشتر است؛ بنابراین به جرأت می توان اذعان کرد که وسایل ارتباط جمعی به ویژه رسانه های دیداری و شنیداری در ترویج و نهادینه ساختن فرهنگ حجاب و یا تضعیف آن نقش انکار ناپذیری در جامعه دارند.

مخالفان پدیده حجاب پرسش هایی مطرح می نمایند؛ همچون مسائل ذیل:

با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می دهند، آیا حجاب سبب انزوای این گروه بزرگ و سبب عقب افتادگی این گروه فعّال و در نهایت، تبدیل آنان به نیرویی سربار و مصرف کننده در جامعه نمی شود؟

در پاسخ به این پرسش، باید گفت: حجاب و پوشش هیچ گاه زن را در جامعه منزوی نمی سازد؛ زیرا حضور امروزین او در جایگاه های گوناگون، نادرستی این سخن را به اثبات می رساند.

حجاب طبع حریص مردان را بیشتر تحریک می کند و حرص آنان را شعله ورتر می سازد. آیا این شیوه کارآمد است؟

پاسخ: انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن منع و هم به سوی آن تحریک شود، اما حجاب و پوشش زن در جامعه چنین نیست، بلکه حجاب از نگاه اسلام، تنها به منزله پوششی است که زن را در برابر تیرهای سهمگین نگاه مرد، که زهر گناه را با خود به همراه دارند، حفظ می کند و به او مصونیت می بخشد.

حتما بارها با این سوالات و شبهات روبرو شده اید که آیا زمان پیغمبر حجاب اجباری بود؟و آیا گیر ما یک تار مو است؟

اول اینکه، احکام اسلام تابع مصالح و مفاسدند، وقتی در اسلام حکمی مطرح میشود مصلحتی دارد. ولو اینکه ما آن مصلحت را ندانیم از آنجا که خداوند حکیم کار عبث نمی کند و سخن او سدید و با دلیل است باید سخن او را پذیرفت.

دوم اینکه، در احکام اجتماعی و معاملات این حکمت روشنتر بیان میشود. برای جلوگیری از آسیب های اجتماعی دستوراتی بیان شده که البته این فرامین برای سخت کردن وضع زندگی ما و ایجاد مانع بر سر راه ما نیست. مثلا در معاملات اقتصادی بیان شده که غش در معامله، ربا و...حرام است. عدم رعایت هر یک از این احکام باعث خراب شدن وضع اقتصادی می شود. رعایت احکام اجتماعی هم برای اصلاح وضع اجتماع لازم است.

در نتیجه، حجاب یک حکم اجتماعی است چون وجوب آب در جایی مطرح می شود که عده ای جمع باشند و اگر نه یک زن یا مرد تنها که حجاب لازم ندارد. پس طبق دو نکته بالا اولا مصلحتی در وجوب امر حجاب قرار دارد و ثانیا چون یک حکم اجتماعی است مصلحتی بارز در آن وجود دارد که اگر رعایت نشود مفسده ای به همراه خواهد داشت.

**حجاب اسلامی و حضور مؤثر زن در اجتماع**

شرایط عمومی حضور زنان در جامعه، از جمله مواردی است که رعایت آن در محیط های کاری الزامی است. از جمله این شرایط عمومی، رعایت حجاب است. دین اسلام بر این باور است که حجاب، نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی کند، بلکه موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می شود.

از دیگر آسیب های محیط کاری، اختلاط و رعایت نکردن حریم هاست که باعث شکستن حصار عفاف و پاکدامنی می شود. شهید مطهری می گوید: «سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله همین بوده ـ نه حبس و نه اختلاط ـ زنان از شرکت در مجالس نهی نمی شدند، ولی همواره اصل حریم رعایت می شده است. زنان امروز باید در کنار وظایف اجتماعی، خودشان را موظف به رعایت وظایف دینی نیز نموده و عفت عمومی را حفظ کنند و با توجه به آن عفت عمومی، مشغول انجام کارهای اجتماعی و سیاسی شوند.

**پویایی نقش حجاب در جامعه اسلامی**

حکومت های غربی و کشورهای داعیه دار آزادی و حقوق بشر، با تصویب قوانین و مقررات منع حجاب، زنان مسلمان محجبه را تحت فشار قرار داده و از حداقل حقوق شهروندی هم چون حق آموزش، اشتغال، دفاع و احقاق حق در دادگاه ها و حق استفاده از امکانات عمومی شهری نظیر وسایل حمل ونقل عمومی، درمانگاه ها، پارک ها، کتابخانه ها و... محروم می کنند؛ به طوری که زن مسلمان مجبور شود یکی از دو رویکرد «پایبندی به اعتقادات و ارزش های اسلامی خود» و یا «حضور به شکل بی حجاب در جامعه و انجام فعالیت های اجتماعی» را انتخاب کند!

بدیهی است که این همه فشار علیه حجاب اسلامی ، تنها تهاجم به یک حکم یا یک نماد اسلامی و یا حمله به یک فرد مسلمان نیست؛ بلکه نشان هراس از فرهنگ اسلامی است که در نمادی به عنوان حجاب، خود را نشان داده است.

بنابراین، اسلام ستیزی و اسلام هراسی و مظاهر آن؛ یعنی مقابله با حجاب اسلامی، ریشه در مخالفت با اسلام و فرهنگ اسلامی دارد و به نظر می رسد که هر روز در حال گسترش است.

**زنان و حجاب با حافظان حریم حجاب و عفاف**

هنگامی که تصمیم گرفتم اسلام خود را ابراز کنم، هرگز فکر نکرده بودم که آیا خواهم توانست روزی پنج نوبت نماز بخوانم یا این که آیا قادر خواهم بود حجاب خود را حفظ کنم؟ شاید از این می ترسیدم که اگر جدی به این موضوع فکر کنم، به نتیجه منفی برسم و این کار، می توانست تصمیمم را مبنی بر مسلمان شدن، تحت تأثیر قرار دهد. تا زمانی که مسجد جامع پاریس را ندیده بودم، هیچ کاری با اسلام نداشتم و با نمازگزاران و حجاب، هیچ آشنایی نداشتم. در واقع، هر دوی آنها برایم غیرقابل تصور بودند؛ اما شوق مسلمان شدن، چنان در من قوی بود که نگران چیزهایی که در آن سوی این تغییر در انتظارم بودند، نبودم.
پس از گوش دادن به یک سخنرانی در مسجد پاریس، محاسن رعایت حجاب بر من روشن شد؛ تا حدی که حتی پس از خروج از مسجد هم روسری را از روی سرم برنداشتم. آن سخنرانی، مرا غرق در نوعی رضایت روحی کرد که هرگز قبلاً نمی شناختم؛ آن چنان که اصلاً نمی خواستم روسری را از سرم بردارم. در آن وقت، به دلیل سرمای هوا، پوشش حجابم، توجه زیادی را به خود جلب نکرد؛ ولی خودم به شدت احساس می کردم که با دیگران تفاوت دارم؛ احساس طهارت و امنیت می کردم. احساس می کردم که در محضر خداوند هستم.

**حجاب، هویت مذهبی من است در سایه سار قلم**

فریاد سرخ شرافت و حمیت، بال در بال کبوترانِ سپیدِ آستان رضا علیه السلام ، پر می گشاید، تا آسمانِ روشنِ گوهرشاد.
انگار شور حسینی، در قلب های مردمان می جوشد و چارقدها و چادرها، به حرمتِ معصومانه یاس، به جنگِ چنگال های پلید شیطان می روند!
دیگر در دل ها هراسی از صفیر گلوله ها و سایه ای از اضطراب مرگ نیست.

گام ها از مرزِ هبوط و زمینی ماندن می گذرند و پا در حریم امنِ آسمان می گذارند.

ساقه دست ها، به غنچه اعتراض، شکوفا می شوند، تا یکرنگی و همدلی قلب ها را اظهار کنند؛ تا حجاب، نشانِ همیشگی حیا و پاکدامنی زن ایرانی بماند و فرهنگ دینی و ملی، در بازار منفعت طلبی اربابان خارجی، به تاراج نرود.

روابط عمومی بیمارستان علوی